

متن پرسش

با سلام و صلوات بر محمد و آل محمد و سلام و عرض ادب خدمت استاد عزیز ۴ سوال خدمتتان داشتم: ۱. در صفحه ۱۰۹ کتاب "معاد، بازگشت به جدی ترین زندگی" میفرمایید که «در مرتبه قیامت قوه ی واهمه همان صورت هایی را که در موطن خیال ایجاد میکرد، وقتی از مشغولیت حس (بدن مادی) آزاد شده با قدرت زیادتری صورت عقاید و اعمال را در بیرون نفس ایجاد میکند و بهشت یا جهنم انسان را میسازد.» حال: مگر نه آنکه ما در قیامت فقط قلب هستیم پس قوای واهمه و خیال دیگر چه اثری دارند؟، آیا این قوای واهمه و خیال غیر از قلب هستند! آیا اصلاً تفکیکی حقیقی میان قوای انسان است که در قیامت فقط قلب میماند یا اینکه این نامگذاری ها اعتباری اند به لحاظ شئون مختلف حقیقت واحده ی انسان؟ ۲. اعمال هر شخص قائم به خود اوست و حقیقتاً با وی ارتباط دارند و در قیامت هیچ حیثیت اعتباری میان اعمال و انسان نیست و اگر انسان خودش نباشد اعمالش هم نخواهند بود. پس چطور در روایات است که برای ادای حق الناس از اعمال صالح ما میگیرند و به صاحب حق میدهند تا راضی شود (ویا از اعمال ناصالح او میگیرند و به ما میدهند)! این چه نوع انتقالی است که اعمال ضمن رابطه ی حقیقی که با انسان دارند از وی گرفته میشوند؟ ۳. انصراف نفس از بدن چگونه است؟ آیا همانطور که هنگام موت قوای عزرائیلی نفس را تماماً میگیرد در هنگام خواب هم به همین شکل است یا اینکه صرف "انقطاع از صورت های ظاهر" نفس به عالم مثال منتقل میشود؟ آیا همین "عدم توجه نفس به صورت های ظاهر" و "قطع تعلق به غیرخود" اگر در بیداری محقق شود همین اثر انتقالی ایجاد میشود؟ آیا این اثرات نشانه کمال نفس است و رتبه ای از رسیدن به مطلوب واحد و توحید خداوند را دارد؟ ۴. آیا ما بمانند انبیاء مکلفیم که حساسیت به حقایق ملکوتی و توجه به باطن امور داشته باشیم و یا اینکه باید صرفاً براساس ظاهر امور تصمیم بگیریم و عمل کنیم؟ مثلاً خواب های صادقه ی انبیاء که به شکلی باطن و ملکوت نفس صادق آنها برایشان حکایت گری میکند حجت دارد که براساس آن تکلیفی را انجام دهند، آیا این حالت برای ما هم تکلیف آور است؟ در آخر یک مشورت میخواستم: بزودی اولین فرزند ما به دنیا می آید، اول از شما استاد عزیزم میخواهم برای این فرزند دختر که رحمت الهی برای ماست دعا کنید که سالم و صالح باشد و خداوند او را وارث و حامل و نشر دهنده فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) قرار دهد. و بعد اینکه بدنبال عالم عارفی هستیم که نامی زیبا و الهی که متناسب حقیقت ملکوتی این بنده ی خدا باشد برایش برگزیند، اسمی که با مسمی بخواند. آیا اصلاً اینقدر دقت نظر ما نیاز است یا اینکه این انتخاب صرفاً یک امر ذوقی است؟ نام بانوان اهل بیت برای ما که زوجی طلبه هستیم زیباست اما

راضی شدن جوانان خانواده های دوطرف مسئله ساز شده! ؛ لطفا شما با قلم خیرتان تفضلی مرحمت بفرمایید. برای توفیق روزافزونتان دعا میکنم. اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

متن پاسخ

باسمه تعالی، علیکم السلام ۱- خدا را شکر می‌کنم که بحمدالله مطالب کتاب معاد را درست گرفته‌اید. عنایت داشته باشید که در قیامت نفس ناطقه یا قلب با تمام شئوناتش حاضر می‌شود، از جمله با قوهی خیال و قوهی واهمه. ۲- قیامت شرایط ظهور صورت اعمالی است که انسان در دنیا انجام داده و همان‌طور که انسان سخن‌چین زبانش به طول چهل ذراع است و آن چیزی نیست جز صورت سخن‌چینی‌اش، صورت عمل انسانی که غیبت کرده به آن صورت ظاهر می‌شود که از عمل نیک او کاسته می‌شود و به عمل انسانی که غیبت شده افزوده می‌گردد، چون غیبت او زمینه‌ی عمل نیک او را محدود کرده است. پس موضوع صورت انتقالی است که در دنیا محقق شده وگرنه همان‌طور که فرمودید هیچ اعتباری در آن جا جای ندارد. ۳- همیشه انصراف نفس چیزی جز تغییر منظر و توجه نفس ناطقه نیست که با قبض حضرت عزرائیل انجام می‌شود □ چه در خواب و چه در مرگ و چه در شهود □ ۴- ما به نور کشف تامّ نبی‌الله می‌توانیم تکلیف خود را پیدا کنیم، حال یا به ظاهر بسنده می‌کنیم که بنا به وعدهی خداوند، مصاب هستیم، و یا سعی می‌کنیم همچون عارفان به باطن ملکوتی تکالیف نظر کنیم که لذت اُنس با ملکوت نصیب ما می‌شود. ولی در هر حال آنچه محور عمل ما است شریعت الهی است و نه چیز دیگری مثل شهود یا خواب. ۵- تا آن‌جا که ممکن است نام فرزند را به عهدهی مادرش بگذارید و ایشان هم سعی کنند صاحب نام فرزندشان انسانی الهی و آشنا برای اذهان باشد. موفق باشید